

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده^۱

فکاهی و طنز از جمله هنرهایی است که بخش وسیعی از زندگی انسان‌ها را به خود مشغول کرده این هنر نقشی مثبت و نیز آسیب‌هایی دارد که با نگاه نقادانه به آن می‌توان از آن آسیب‌ها مصون ماند از این‌رو به کارگیری سنجه‌های منطقی برای مواجه‌ای نقادانه با طنز می‌تواند نقش مثبت آن را دو چندان کند.

کلیات و مفاهیم

ابتدا تصویری روشن، از مفاهیم و واژه‌های اصلی ارائه می‌شود سپس به مسائل آن می‌پردازیم.

مفاهیم و واژه‌ها:

خنده، طنز و فکاهی:

از جمله خصوصیات انسان، مدرک بودن است؛ اگر انسان امر نادری را ادراک کند حالتی به او دست می‌دهد که به آن تعجب گویند و اگر این تعجب همراه با سرور و فرح باشد به آن ضحک (خنده) گفته می‌شود.^۲

^۱ - این بحث را در تاریخ ۹۷/۱/۲۱ در مجمع عالی حکمت کارگروه فلسفه‌ی هنر با عنوان سنجه‌های منطقی هنر فکاهی و طنز عرضه کردم.

^۲ - در کتب حکماء همین تعریف را می‌توان برای تعجب و خنده یافت به عنوان نمونه ابن سینا در کتاب طبیعیات شفا می‌گوید؛ «و من خواص الإنسان أنه يتبع إدراكاته للأشياء النادرة»

به مضمونی که موجب خنده شود طنز یا فکاهی گفته می‌شود اما گاه این دو واژه در دو معنا به کار می‌رود فکاهی به شوخی ساده و طنز به شوخی پیچیده گفته می‌شود. (کتاب طنز (۳) ضیائی ص ۱۰)

منطق و سنجه‌های منطقی:

قواعدی که به کارگیری آن‌ها ذهن را از خطای در فکر مصون می‌دارد. را قواعد منطقی و علمی که به بررسی این قواعد می‌پردازد را علم منطق گوئیم.

سنجه‌های منطقی یعنی میزان‌های منطقی که به کمک آن، می‌توان یک سخن و اندیشه را ارزشگذاری نمود.

با سنجه‌های منطقی می‌توان طنز و فکاهی را رمزگشائی و جهت خنده‌دار بودن و نوع رابطه‌ی منطقی آن را مشخص کرد.

عنوان این نوشته، سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز است.

هدف تحقیق:

هدف این تحقیق، تحلیل و تبدیل طنزها و فکاهیات به روابط منطقی است.

انفعال یسمى التعجب و يتبعه الضحك، و يتبع إدراکه للأشياء المؤذیه انفعال یسمى الضجر و يتبعه البكاء. (ابن سینا، ج ۲ النفس، ص ۱۸۳) هم‌چنین ملاصدرا در کتاب مبدأ و معاد می‌گوید: «و من خواصه أيضا التعجب، و هو انفعال يحصل عقیب الإدراک لأمر نادر يتبعه الضحك.» (ملاصدرا، ص ۲۶۰)

این کار چند فائده‌ی عمده دارد؛

(۱) دستیابی به منبعی تمام‌ناشدنی برای تولید هنر فکاهی و طنز

(۲) استفاده از هنر فکاهی و طنز برای کسب مهارت‌های منطقی

(۳) تربیت تفکر عقلی فلسفی کودکان و عموم مردم به کمک هنر طنز و

معماهای طنزگونه.

شناخت طنز و اقسام آن

شناخت علل طنز و اقسام آن می‌تواند نحوه‌ی به‌کارگیری سنجه‌های منطقی را به ما نشان داده و ما را با ظرفیت‌ها و ثمراتی که این امر دارد آشناتر کند.

منشأ خنده و ایجاد طنز:

در کتب منطقی منشأ و علت ضاحکیت را تعجب و منشأ تعجب را درک امور نادر دانسته‌اند از این رو وقتی انسان امری نادر را دریافت کند و زمینه‌ای برای شادی و سرور نیز داشته باشد حالت خنده در او به وجود می‌آید از سوی دیگر، زمینه و قالبی که موجب خنده شده است را شوخی، شوخ‌طبعی و یا فکاهی و طنز گوئیم.

در برخی کتب طنز منشأ خنده را نوعی ناهماهنگی به شمار آورده‌اند و طنز را ایجاد نوعی ناهماهنگی دانسته‌اند (کتاب طنز ۳ ص ۱۱)

ساده‌ترین و پیچیده‌ترین طنز:

ساده‌ترین طنز گسترده‌ترین آن‌هاست. طنز گاه صرفاً یک ناهماهنگی ساده و گاه وابسته به درک پیچیده‌ترین روابط منطقی و یا فلسفی و یا علمی و یا سایر روابط است.

طنز گاه آنقدر پیچیده می‌شود که درک آن نیاز به مخاطب خاص دارد و گاه چنان از واقعیت فاصله می‌گیرد که کاملاً تخیلی (سور رئالیستی) می‌شود.

بهترین و بی‌مزه‌ترین:

بهترین طنز کم‌عبارت‌ترین و غافلگیرترین آن‌هاست. طنز گاه بسیار بی‌مزه است به گونه‌ای که نام آن را ضدفکاهی می‌نهند و گاه چنان غافل‌گیر کننده می‌شود که خنده‌ی بسیاری را به دنبال خود می‌آورد.

مصادیق عام ناهماهنگی و عرفی:

برخی از مصادیق عام ناهماهنگی در طنزها وجود دارد که به جهت سادگی آن بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرند مانند؛ تضاد و تناقض، اغراق و افراط، عدم تجانس.

تقلید کردن و یا لهجه داشتن و یا کاریکاتورسازی نیز از مصادیق ناهماهنگی عام و عرفی است.

طنزهای مستهجن نیز با آشکار کردن آنچه همه به دنبال پنهان کردن آن هستند شکل می‌گیرد.^۳

منشأها و گونه‌های پیچیدگی طنز:

طنزهای پیچیده‌ای در میان طنزها دیده می‌شود که پیچیدگی آن به منشأ و نوع پیچیدگی آن باز می‌گردد به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنم؛

(۱) پیچیدگی ادبی؛ گاه منشأ پیچیدگی یک طنز به ادیبانه گفتن آن و یا داشتن جهات ادبی و مجازگویی‌ها باز می‌گردد مانند این طنز؛ «مهم این نیست که قشنگ نیستی قشنگ اینه که مهم نیستی!» و یا؛ «همه‌کس را دندان به ترشی کند شود مگر قاضیان را که به شیرینی.»

(۲) پیچیدگی رفتاری؛ گاه نوع رفتار و یا دو پهلو سخن گفتن یک شخص زمینه را برای طنز فراهم می‌کند مانند تجاهاول یک عالم که در قالب

۳ - کلمه‌ی «عوره» به معنای چیزی است که آشکار شدن آن برای شخصی که آن را آشکار می‌کند موجب عار و زشتی باشد از این‌رو انسان‌ها همان چیزی را که عورت می‌دانند می‌پوشانند حال اگر کسی با کنایه یا با صراحت این امور را آشکار کند در صورتی که همراه با نوعی سرور باشد طنز و خنده را به وجود می‌آورد.

این نوع طنز نیز از جمله طنزهایی است که از نظر عقل و آموزه‌های دینی محدودیت‌هایی دارد که باید مراعات شود و الا مفاسدی که بر آشکار شدن زشتی‌های انسان مترتب است بر این نیز مترتب می‌شود.

تجاهل کردنش سخنانی می‌گوید سپس پاسخ‌هایی را می‌گیرد که خودش به دنبال آنهاست مانند شیوه‌ی سقراطی

(۳) پیچیدگی علمی فلسفی؛ بخشی از طنزها و شوخی‌ها وابسته به درک روابط پیچیده‌ی منطقی، فلسفی و یا علمی‌اند.

وجود معیار و تخلف از معیار در هر طنز:

برای تحقق ناهماهنگی باید معیار واحدی وجود داشته باشد تا با تخلف از آن معیار، نوعی ناهماهنگی اتفاق بیافتد و این ناهماهنگی منشأ خنده شود. این معیار می‌تواند «اصل واقعیت»؛ و تخلف از آن واقعیت می‌تواند «حالت‌های احساسی و تخیلی در مقام واقعیت» باشد مثلاً سخنان شاعرانه گفتن برای قانع کردن مخاطب و یا به طور کلی سخنان تخیلی گفتن می‌تواند موجب ایجاد یک طنز شود.

هم‌چنین معیار دیگری که می‌توان تخلف از آن را زمینه‌ای برای ایجاد طنز قرار داد قواعد منطقی و قوانین هستی است و تخلف از آنها می‌تواند ناهماهنگی در آن قواعد و قوانین باشد مانند مغالطات که وقتی همراه با نوعی سرور باشد تبدیل به طنز می‌شود.

معیار طنز می‌تواند کاملاً عرفی و تخلف از آن نیز عرفی باشد و گاه معیار طنز و یا تخلف از آن کاملاً پیچیده و علمی است.

ضرورت درک مشترک:

برای ایجاد یک طنز باید درک مشترکی نسبت به معیار و تخلف از آن معیار وجود داشته باشد از این‌رو نسبت به هر کدام از این‌دو که درک مشترکی بین طنزپرداز و مخاطب در میان نباشد طنز و خنده‌ای اتفاق نخواهد افتاد.

معیارهای عمومی و قومی:

برخی از معیارها عمومی و برخی قومی‌اند معیارهای عمومی اموری هستند که ناظر به نوعی تخلف از واقعیت و یا تخلف از قواعد و قوانین آن باشد و معیارهای قومی اموری هستند که درک معیار و تخلف از آن، مستلزم توجه به بستر خاصی است به عنوان مثال توجه به اتفاقاتی که در یک کشور افتاده و یا صفاتی که به اقوام نسبت داده می‌شود شرط درک طنزهایی است که ناظر به همان‌هاست.

تخیلات و مغالطات؛ دو بستر عمومی و بشری:

تخیلات که نوعی تخلف از واقعیت و نیز مغالطات که نوعی تخلف از قوانین و قواعد حاکم بر واقعیت است دو بستر عمومی و شاید عمومی‌ترین بسترها برای طنزپردازی‌اند خالی‌بندی‌ها در زمره‌ی تخیلات، و تضادها، تناقضات، افراط‌ها و اغراق‌ها در زمره‌ی مغالطات می‌گنجد.

اهداف طنز و طنزپردازی:

طنزپردازی اهداف متعددی دارد؛ مهم‌ترین آن‌ها از این‌قرارند؛

(۱) سرگرمی؛ عمومی‌ترین و ابتدائی‌ترین هدف برای طنزپردازی، سرگرمی است انسان‌ها به طور کلی نیازمند شادی و لذت‌اند شوخی و خنده

یکی از عوامل ایجاد شادی و لذت است و البته آن‌چه مورد توصیه عقل و نیز ادیان آسمانی است پاک بودن و حلال بودن آن است از این‌رو باید حدود فقهی و اخلاقی شادی و لذت و نیز حدود شرعی طنز را مشخص کرد تا طنز که می‌تواند عاملی برای رفع بخشی از نیازهای روحی باشد تبدیل به آلوده‌کننده‌ی روح نشود.

(۲) طنز تلخ؛ برخی از طنزها از نگاه طنزپرداز برای بیان واقعیت‌های تلخ‌اند ادبیات طنز از جمله قالب‌هایی است که افراد برای بیان تلخی‌ها از آن استفاده می‌کنند طنز تلخ می‌تواند همراه با توهین و تمسخر و هجو باشد که به آن طنز سیاه گویند و می‌تواند صرفاً بیان‌گر یک امر تراژیک باشد.^۴ طبیعی است که تمسخر و توهین و هجو از نظر دین و اخلاق

^۴ - از جمله طنزهای تراژیک این طنز است؛ رفتم روبروی آکواریوم ماهیه تو آکواریوم می‌خواست با من حرف بزنه اما تا دهانش را باز می‌کرد آب می‌رفت توی دهنش دلم براش سوخت اونو از توی آکواریوم در آوردم خیلی خوشحال شده بود از خوشحالی بال‌بال می‌کرد اونقدر بال‌بال کرد که خسته شد خوابش برد گفتم بزارمش توی آکواریوم تا راحت بگیره بخوابه.

از دیروز که دوباره گذشتمش توی آکواریوم هنوز بیدار نشده.

از این طنزها زیاد در بین مردم دیده می‌شود مثلاً طرف گربه را شست بعد دیدند گربه مرده وقتی بررسی کردند دیدند گربه به‌خاطر چلوندن مرده! طرف آتش می‌گیره میان با بیل خاموشش می‌کنن طرف می‌میره وقتی بررسی می‌کنند می‌بینند ۲۰ درصد سوختگی هشتاد درصد کوفتگی بوده. این‌ها همه طنزهای تلخ‌اند که تراژیک‌اند.

امور ناپسندی هستند که باید حدود طنز تلخ مراعات شود تا تبدیل به گناه و بداخلاقی نشود.

(۳) آموزش مفاهیم و محتواها؛ گاه طنزها به عنوان مثال‌هایی برای تعلیم مفاهیم و محتواها به کار می‌روند این هدف برای ملموس کردن و یا محسوس کردن محتواهای مشکل و یا برای این‌که مخاطب خسته نشود استفاده می‌شود.

(۴) آموزش تفکر منطقی فلسفی؛ گاه طنزها را برای بیان قواعد تفکر و یا قوانین هستی استفاده می‌کنند اگر چه در این موارد نیز هدفی آموزشی در آن پیگیری شده اما تفاوت این نوع آموزش با آموزش محتواها در این است که در آموزش محتواها طنز بودنش صرفاً برای رفع خستگی و ملموس و محسوس شدن آن است اما در آموزش تفکر منطقی فلسفی وجه طنز تخلف از قواعد تفکر و یا قوانین هستی است به عنوان مثال وقتی از طنزی استفاده می‌شود که در آن مغالطه‌ی اشتراک به کار رفته وجه خنده در همان مغالطه‌ی اشتراک لفظ است و با همان وجه خنده می‌خواهیم مغالطه را نشان دهیم به تعبیر دیگر تعلیم مباحث منطقی و فلسفی به کمک طنز در واقع تعلیم قوانین و قواعد عقلی از طریق اضداد آن است یعنی از باب «تُعَرَفُ الْأَشْيَاءُ بِالضَّادَّةِ» است.

شعر و مغالطه، سنجه‌های منطقی طنز

کلی‌ترین منشأهای طنز:

غیرواقعی و تخیلی شدن یک کلام و یا شکسته شدن قوانین کشف واقعیت (قوانین تفکر) و قواعد واقعیت (قوانین فلسفی و علمی)، کلی‌ترین منشأ برای تولید یک طنز است.

در کتب منطقی، صنعت شعر به بررسی ضوابط امور تخیلی و صنعت مغالطات به بررسی تخلف از قوانین تفکر، و علوم فلسفی و غیرفلسفی نیز به بررسی قواعد واقعیت و بیان معیار تخلف از آن می‌پردازند.

سخنان تخیلی و احساسی، سخنانی شعری:

کلام غیرواقعی معمولا در قالب یک تخیل یا امری صرفا احساسی تحقق می‌یابد و طنزهای سوررئالیستی (تخیلی) و یا طنزهای تلخ و سیاه از همین امور تخیلی و احساسات تلخ شکل می‌گیرد.

صنعت شعر در منطق به دنبال بررسی همین گونه از سخنان است؛ البته چون رویکرد منطقی‌ها به صنعت شعر از این زاویه نبوده، مباحث مفصل و گسترده‌ای در این زمینه در کتاب‌های منطقی نمی‌توان یافت اما اصل مباحث شعر در کتب منطقی قابلیت دارد تا ضوابط گسترده‌ای در این زمینه بر اساس آن تولید کرد.^۵

^۵ - مرحوم خواجه در اساس الاقتباس می‌گوید: «صناعت شعری ملکه‌ای باشد که با حصول آن، بر ایقاع تخیلاتی؛ که مبادی انفعالاتی مخصوص باشد، بر وجه مطلوب قادر باشد»

منطقی‌ها به این نکته نیز پرداخته‌اند که منشأ ضحک و خنده، تعجب است و چون گزاره‌های تخیلی بهتر تعجب انسان را بر می‌انگیزانند و برانگیخته شدن تعجب، نوعی لذت به دنبال خود می‌آورد از این رو مردم نیز بیش از سخنان واقعی به آن روی می‌آورند.^۶

مغالطات، صنعت بررسی تخلف از قوانین تفکر:

به خلاف شعر که در منطقی مباحث مفصلی درباره‌ی آن به میان نیامده، صنعت مغالطه مباحث مفصلی را در خود جای داده است دسته‌بندی‌های گوناگونی در کتب منطقی از سوی منطقدانان، بیان شده که هر کدام می‌تواند خطاهای ذهنی را از زاویه‌ای متفاوت بررسی کند.

(خواجه ص ۲۸۶) سپس می‌گوید: «مخیل کلامی بود که اقتضاء انفعالی کند در نفس؛ بیسط یا قبض یا غیر آن، بی‌ارادت و رویت؛ خواه آن کلام مقتضی تصدیقی باشد و خواه نباشد، چه اقتضاء تصدیق غیر اقتضاء تخییل بود و باشد که یک سخن بر وجهی اقتضاء تصدیق تنها کند و بر وجهی دیگر اقتضاء تخییل تنها» (خواجه ص ۵۸۸)

^۶ - مرحوم خواجه در اساس الاقتباس می‌گوید: «و نفوس اکثر مردم تخیل را مطیع تر از تصدیق باشد و بسیار کسان باشند که چون سخنی مقتضای تصدیق تنها شنوند از آن متنفر شوند و سبب آنست که تعجب نفس از محاکات، بیشتر از آن بود که از صدق؛ چه محاکات لذیذ بود ... و باشد که صادق غیر لذیذ بتحریمی مقتضی تخییل لذیذ شود و نیز باشد که التفات بتخییل نفس را از التفات تصدیق باز دارد» (خواجه ص ۵۸۸)

مغالطه‌های غیرمتعارف، قالب‌هایی برای طنزپردازی:

بدون شک وجود مغالطه در یک کلام به تنهایی نمی‌تواند منشأ و باعث خنده و طنز شود بلکه به تعبیر منطقی‌ها، باید وقوعش نادر و به تعبیر طنزپردازان معاصر باید نوعی ناهماهنگی در آن دیده شود به عنوان مثال وقوع خطاهای متعدد در یک کلام، می‌تواند امری نادر و ناهماهنگ تلقی شده و باعث خنده شود.

امکان وجود جهات مختلف در یک طنز:

یک طنز می‌تواند جهات مختلفی برای خنده داشته باشد از این‌رو رمزگشایی از یک طنز می‌تواند ما را به مغالطات متعددی برساند و گاه وجود مغالطات گوناگون در یک جمله، آن را تبدیل به طنز می‌کند.

مغالطات طنزپذیر:

همه‌ی مغالطات می‌توانند قالبی برای طنز بشوند مشروط بر این‌که حالتی ناهماهنگ و نادر درست کنند اما برخی از مغالطات به جهت سهولت در درک آن‌ها و بدیهی بودن خطای آن‌ها، ظرفیت بیشتری برای طنزپردازی دارند از این‌رو معمولا دسته‌ی خاصی از مغالطات، پایه و مبنای ایجاد طنز می‌شوند.

در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم؛

خطا در علوم وجدانی:

معمولا در علوم وجدانی خطا واقع نمی‌شود حال اگر کسی داستان و یا جمله‌ای بگوید که وقوع خطا در این علوم را نشان دهد باعث نوعی خنده می‌شود؛

- شخصی وارد سالنی عمومی شد کفش‌هایش را در جاکفشی گذاشت وقتی برگشت دید کفش‌هایش نیست با تعجب از خود پرسید؟! من کی رفتم؟!

- شخصی به دیگری رسید دید زیر چشمش سیاه است با نگرانی به او گفت: زیرچشم‌ت سیاهه! طرف مقابل هم با نگرانی پرسید: درد هم می‌کنه!

تغییر واقعیت بر اساس میل شخص:

روشن است که واقعیت خارجی بر اساس میل افراد تغییر نمی‌کند حال اگر کسی تغییر واقعیت بر اساس میل را گزارش دهد نوعی طنز شکل می‌گیرد؛

شخصی داشت خالی‌بندی می‌کرد گفت: یه روز توی اقیانوس داشتم شنا می‌کردم یک مرتبه یه نهنگ افتاد دنبالم چند کیلومتر شنا کردم ولی خیلی به من نزدیک شد هیچ جزیره‌ای هم نزدیکم نبود دهانش را باز کرد تا من رو بخوره یک مرتبه پریدم بالای درخت!

به او گفتند: وسط اقیانوس درخت کجا بود؟!

گفت: مجبور بودم می‌فهمی!^۷

^۷ - این طنز مناسب فلسفه‌هایی است که بر اساس خواست و اهدافی که دارند فلسفه‌های خود را می‌سازند یعنی واقعیت را بر مبنای میل خود تغییر داده و از آن گزارش می‌دهند چون مجبورند.

تثالی و تعدد خطاها:

وقتی تعداد خطاهای یک شخص در یک گزارش زیاد شد امری غیرطبیعی و ناهماهنگ شکل می‌یابد و موجب خنده می‌شود؛

به شخصی گفتند: خدا گوشت امامان معصوم را بر حیوانات وحشی حرام کرده لذا هیچ حیوان وحشی به آنها آسیبی نمی‌رساند.

شخص گفت: پس اون کدوم امام بود که برادرهاش بردنش بیابون انداختنش بالای درخت بعد شیر خوردش لباسشو کردن آوردن پیش مادرش مادرش اونقدر گریه کرد تا گوش‌هاش کر شد؟^۸

نقض غرض:

انسان اگر می‌خواهد به هدفی برسد باید متناسب با همان هدف رفتار کند تا به آن‌هدف برسد حال گاهی رفتاری را انتخاب می‌کند که هدف او را نقض می‌کند این حالت موجب طنز می‌شود؛

طرف می‌خواست یه خونه بخره، کنار ایستگاه قطار یک خونه پیدا کرده بود از فرشنده سؤال کرد: شما که در این‌جا زندگی می‌کنید صدای قطار اذیتتون نمی‌کنه؟

^۸ - یا داستان ماهی در آلوارיום که داشت نگاه می‌کرد و می‌خواست حرف بزنه ولی آب می‌رفت توی دهنش از توی آب بیرونش آوردم خیلی خوشحال شده بود همین‌طور بال‌بال می‌کرد تا خوابش برد دوباره گذاشتمش توی آکواریوم تا راحت بخوابه ولی از دیروز تاحالا بیدار نشده.

فروشنده: نه! سختیش همون یه ماه اول بود بعد دیگه عادی شد!

خریدار: خوب! پس اگر سختی‌اش همون یه ماه اوله اون یه ماه رو می‌ریم
خونه‌ی فامیل‌هامون بعد می‌یایم تو این خونه زندگی می‌کنیم.

غفلت از فلسفه‌ی یک کار:

اگر کاری بدون توجه به فلسفه‌ی آن انجام شود رفتاری غیرعقلانه شکل
می‌گیرد که گاه باعث خنده می‌شود؛

دکتر به شخصی که اضافه وزن داشت گفت؛ باید روزی چهار کیلومتر پیاده
روی کنی! بیمار پس از چند ماه به دکتر زنگ زد و گفت: آقای دکتر من الان به
مرز ترکیه رسیدم نمی‌گذارند جلوتر برم چه کار کنم؟^۹

اشتراک لفظ:

بخش وسیعی از طنزها بر پایه‌ی اشتراک لفظ شکل گرفته؛

- حروف فارسی چند تاست؟ ۳۲ تاست! اون‌ها رو بشمر! الف، ب، پ،
ت، ث، ۴، ۵، ۶، ۷...

- با بالش جمله بساز! رفته بودم جنگل یه پرنده دیدم با تیر زدم تو بالش!

^۹ - می‌توان این نوع طنزها را تحت عنوان «التزام به امر غیرلازم» قرار داد.

جابجائی در اسناد:

شخصی در فاتحه‌خوانی خرما به او تعارف کردند یک مشت خرما برداشت شخصی که ظرف خرما در دستش بود گفت: آقا یه نفر مرده یه اتوبوس که چپ نکرده؟ (خرما را در ازای مرده نمی دهند بلکه به شخص شرکت کننده می دهند از این رو بایستی می گفت: آقا شما یه نفر هستی چرا اینقدر خرما بر داشتی!)

غفلت یا جهل به طرف اسناد:

- من نمی دونم وقتی می گن: به افتخارش دست بزیند دقیقا به کجاش باید دست بزینم! (دست زدن دو معنا دارد یکی لمس کردن و یکی تشویق کردن در این جا چون نمی داند افتخار یعنی چه دست زدن را هم نمی داند یعنی چه)

- ببین! این مسأله بین خودمون باشه! طرف مقابل: یعنی دقیقا کجامون باشه؟! (بین خودمون بودن چند معنا دارد)

اسناد عرضی:

شخصی مگسی گرفت و به او گفت: بپر! مگس فرار کرد، مگس دیگری گرفت و بالهایش را کند و به او گفت: بپر! اما نپرید! به عنوان نتیجه‌ی آزمایشش نوشت؛ وقتی بالهای مگس کنده می شود گوش‌هایش کر می شود.

عدم مناسبت حکم و موضوع:

شخصی به سفر مکه رفته بود اما اعمالش را انجام نمی داد به او گفتند: چرا اعمال را انجام نمی دهی؟! گفت: به من گفته اند همه چی با کاروانه! (مناسبت)

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ منبعی
تمام‌نشدنی برای تولید طنز

حکم و موضوع اقتضاء می‌کند که معنای همه‌چیز فقط چیزهایی باشد که متناسب با وظیفه‌ی کاروان است نه همه‌چیز)

این‌ها بخشی از طنزهایی است که ذیل برخی مغالطات قابل گنجاندن است قطعاً مغالطات دیگر نیز ظرفیت دارند تا در قالب آن‌ها طنزهای دیگری نیز ساخت.

ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز

تحلیل منطقی طنزها فوایدی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

منبعی تمام‌نشدنی برای تولید طنز

از جمله ثمراتی که تحلیل‌های منطقی طنز دارد آن است که می‌توان به تک‌تک اقسام و عناوین مغالطات توجه نمود و متناسب با هر کدام از مغالطات، طنز تولید کرد هم‌چنین بر مبنای هر کدام از مغالطات نیز می‌توان طنزهای متعددی ساخت این امر می‌تواند برای طنزپردازان بسیار غنیمت و منبعی غنی باشد.

رشد تفکر منطقی:

بهره‌مندی از ضوابط منطقی در تولید طنزها می‌تواند باعث رشد تفکر منطقی در طنزپرداز و نیز مخاطبان شود.

امکان بهره‌مندی از همه‌ی اقسام مغالطه:

اگر چه برخی از اقسام مغالطه به جهت عمومی‌تر بودن فهمشان می‌تواند پایه‌ای برای ساخت طنزها باشد اما اقسام دیگر نیز قابلیت دارد تا طنزهای پیچیده‌تر و یا حتی طنزهایی با عمومیت در فهم نیز ساخت از این‌رو هر کدام از اقسام مغالطه را می‌توان در قالب طنزی به تصویر کشید.

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ منبعی
تمام‌نشده برای تولید طنز

توجه به مغالطات، عامل توانمندسازی:

از دو جهت توجه به مغالطات می‌تواند طنزپردازان را برای ساخت طنزهای متعدد و جدید توانمند کند؛

یکی از این جهت که مایه‌ی ساخت طنز؛ که همان اقسام مغالطه باشد، به دست آن‌ها می‌دهد به عنوان مثال مغالطه‌ی اشتراک لفظ و یا خطای در اسناد هر کدام مایه‌ای برای تولید طنز است و در دست داشتن مایه‌های طنز، طنزپرداز را توانمند می‌کند تا طنزهای جدیدی تولید کند اعم از این که طنزِ گفتاری باشد یا رفتاری از این‌رو در دست داشتن انواع و اقسام مغالطه، طنزپرداز را قادر می‌کند تا طنزهای جدیدتر بسازد.

جهت دیگری که به کار گرفتن مغالطات باعث توانمندی طنزپرداز در تولید طنز می‌شود، بالارفتن قدرت ذهنی طنزپرداز است به عنوان مثال وقتی معمائی به این شکل پرسیده می‌شود که؛ در یکی از کشورها مسلمانانشان با آب پرتغال وضو می‌گیرند و نماز می‌خوانند و نمازشان هم صحیح است!

حال اگر به پاسخ آن رسیدند که نام کشورشان پرتغال است به معمای بعدی به راحتی می‌توان پاسخ داد که شهری در ایران وجود دارد که مردمش با آب انار وضو می‌گیرند و نماز می‌خوانند. زیرا به راحتی می‌فهمند که نام آن شهر انار است.

از این‌رو وقتی طنزپرداز بر اساس یک معیار مغالطی طنزی ساخت و یا تحلیل کرد به راحتی می‌تواند طنزهای متعددی را بر مبنای همان مغالطه بسازد.

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ نقش طنزهای تحلیلی در کسب مهارت‌های منطقی

ساختن رفتارهای طنزآمیز:

پس از این‌که ذهن طنزپرداز به اقسام مغالطات پی برد و توانست بر مبنای هر کدام از آن‌ها طنزهای گوناگون درست کند می‌تواند رفتارهای طنزآمیز نیز بسازد و فیلمها و برنامه‌های طنز نیز می‌تواند تولید کند از این‌رو کار بر روی مغالطات منطقی به طنزپرداز توانمندی‌های گسترده‌ای می‌دهد که ابزار دیگر.

ضرورت نگاه احترازی به طنزهای مغالطی:

تولید طنز بر پایه‌ی مغالطات به طنزپرداز قدرت مغالطه‌گری می‌دهد از این‌رو عدم مراقبت نسبت به این امر می‌تواند طنزپردازان را تبدیل به شخصیت‌های گزیده‌بر کند پس اگر چه تولید طنز بر پایه‌ی مغالطات، به شخص توانمندی‌های جدیدی می‌دهد اما به جاست که مراقب این آسیب نیز بود زیرا رویکرد طنزپرداز به تولید طنز رویکرد یک نقاد و تحلیل‌گر طنزها نیست بلکه رویکرد یک مغالطه‌گر است که از روی علم و توجه در حال تولید گونه‌های مختلف مغالطه است.

مراقبت طنزپرداز از این آسیب او را تبدیل به شخصیتی توانمند در مهارت‌های منطقی و نقد اندیشه‌ها می‌کند.

نقش طنزهای تحلیلی در کسب مهارت‌های منطقی

پرداختن به طنز بدون تحلیل منطقی آن می‌تواند ذهن را مغالطه‌گر کند اما اگر همراه با تحلیل‌های منطقی و مشخص کردن وجه خنده و طنز باشد تحلیل‌گر را

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ نقش
طنزهای تحلیلی در کسب مهارت‌های منطقی

به مهارت‌های منطقی می‌رساند از این‌رو به‌کارگیری سنجه‌های منطقی در نقد و
بررسی طنزها می‌تواند زمینه‌ای برای کسب مهارت‌های منطقی باشد.

هدف علم منطق:

منطق علم به قوانینی است که مراعات کردن آن ذهن را از خطای در فکر
مصون می‌دارد اما شرط مصونیت آن است که شخص متفکر، قوانین آن را
مراعات کند از این‌رو منطق‌آموزی به‌طور کلی دو هدف، در طول هم دارد؛

یکی هدف شناختی که آموختن قواعد منطقی است،

دیگری هدف مهارتی که همان ملکه‌شدن قواعد منطقی است.

ثمرات تبدیل شدن قواعد منطقی به مهارت‌های منطقی:

از چند جهت این امر ضرورت دارد؛

(۱) ملکه‌شدن قواعد منطقی باعث بالارفتن قدرت به‌کارگیری قواعد
منطقی می‌شود زیرا به یک معنا جزء طبیعت متفکر شده‌اند و چنین
شخصی به راحتی قواعد منطقی را به کار می‌گیرد بدون این‌که برای او
زحمتی به دنبال داشته باشد.

(۲) ثمره‌ی دومی که ملکه‌شدن قواعد منطقی به دنبال دارد آن است که
غفلت متفکر را از اجرای قواعد به شدت پائین می‌آورد زیرا وقتی
رفتاری تبدیل به عادت و ملکه شد صدور آن با کمتری توجهی
امکان‌پذیر خواهد شد از این‌رو غفلت در آن به‌طور طبیعی به حداقل

می‌رسد مانند صنعتگرانی که به جهت مهارتی که پیدا کرده‌اند به ندرت در محاسباتشان خطا می‌کنند.

(۳) ثمره‌ی سومی که ملکه‌شدن قواعد منطقی به دنبال دارد آن است که منطقی‌شدن تفکر و حرکت فکر در چارچوب قواعد صحیح، تبدیل به یک رویه و رفتار مستمر و دائمی شخص می‌شود از این‌رو تبدیل قواعد رفتاری به ملکات رفتاری، برای شخص سیره و سنت و رویه می‌سازد و در نتیجه شخصیت آن شخص تبدیل به یک شخصیت منطقی می‌شود و رویه‌اش آن است که سخنان دیگران را ناقدانه می‌شنود و ضابطه‌مند دریافت می‌کند و خودش نیز به طور طبیعی در چارچوب‌ها ادعا می‌کند و به طور منطقی برای ادعاهایش دلیل اقامه می‌کند.

با توجه به آنچه گفته شد مریبان و دانش‌آموختگان منطق هنگام آموزش و آموختن قواعد تفکر باید تلاشی پیگیر برای تبدیل معلوماتشان به ملکات رفتاری کنند تا شخصیت آنان تغییر کند و به طور کلی به شخصیتی دیگر تبدیل شوند.

راه‌های کسب مهارت‌ی منطقی:

راه‌های کسب مهارت‌های علمی کم و بیش شبیه به هم‌اند در منطق نیز از چند راه می‌توان به مهارت‌های منطقی دست یافت؛

(۱) تحلیل قواعد منطقی؛ بدین معنا که هنگامی آموختن قواعد منطقی، باید قواعد به خوبی تحلیل شود و وجه نتیجه‌بخشی و حالت عدم به کارگیری آن قواعد معلوم شود. این کار قواعد را به مرز باور و از مسیر باور به رفتارها می‌کشاند.

(۲) تمرین قواعد منطقی؛ تمرین کردن و اجرای تمرینی قواعد منطقی، مواضع اجرای قواعد را به دانش‌پژوه می‌آموزد و به کارگیری قواعد را برای او ملموس و محسوس می‌کند. همچنین به طور عینی می‌تواند وضعیت تخلف از آن را نیز مشاهده کند و این امر در شخصیت او تأثیری می‌گذارد که مباحث علمی محض هرگز آن تأثیر را ندارد.

(۳) تطبیق قواعد منطقی بر صحنه‌های مختلف علمی؛ بدین معنا که تلاش کند قواعد منطقی را در همه‌ی صحنه‌های زندگی علمی و ساحت‌هایی که تفکر در آن راه دارد با خود ببرد به عنوان مثال مطالعه می‌تواند متفکرانه و یا بدون تفکر باشد گفتگو و مناظره نیز می‌تواند همین دو حالت را داشته باشد و اصلاً خود تفکر نیز می‌تواند ضابطه‌مند و یا بی‌ضابطه باشد؛ هدف از آموزش منطقی، مسلح شدن به ابزار تفکر برای مصون ماندن ذهن از خطای در فکر است از این‌رو در تمام صحنه‌ها و ساحت‌هایی که تفکر حضور دارد قواعد منطقی نیز باید حضور داشته باشد و منطقدان فائده‌محور، آن است که قواعد را همراه خود به تمام صحنه‌ها ببرد. اگر کسی چنین کاری انجام دهد، در هر صحنه‌ای

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ نقش
طنزهای تحلیلی در کسب مهارت‌های منطقی

ورزیدگی جدیدی می‌یابد و شخصیت او مدام در حال تکمیل و
مهارت‌افزایی می‌شود.

نقش تحلیل منطقی طنز در کسب مهارت‌های منطقی:

تحلیل منطقی طنز از سوئی تحلیل قواعد منطقی و دیدن ثمرات تخلف و نقض
آن است از این‌رو تحلیل‌گر را به این باور می‌رساند که مراعات نکردن قواعد
منطقی می‌تواند تخلفاتی غیرطبیعی و ناهماهنگ و تعجب‌برانگیز به دنبال آورد
و این باور می‌تواند در شخصیت و رفتارهای شخص تحلیل‌گر، تأثیری به‌سزا
داشته باشد.

از سوی دیگر تحلیل منطقی طنز، نوعی تمرین قواعد منطقی و دیدن آن‌ها در
مثال‌ها و نمونه‌های عینی است و همین امر به مهارت‌های منطقی شخص
می‌افزاید.

هم‌چنین تحلیل منطقی طنز در واقع تطبیق قواعد منطقی بر صحنه‌ای از
صحنه‌های زندگی علمی انسان است زیرا خنده‌دار شدن آن به جهت ادراک
امری نادر و ناهماهنگ است و مواجهه‌ی منطقی با چنین صحنه‌هایی باعث
ورزیدگی تحلیل‌گر می‌شود.

تحلیل منطقی طنز، کسب مهارت نقد اندیشه‌ها:

تحلیل منطقی طنز در واقع کسب مهارت‌های منطقی در نقد اندیشه‌های دارای
مغالطه است؛ یافتن وجه مغالطه و تطبیق انواع مغالطه بر طنزی که تحلیل
می‌شود همگی شخص را با راه‌های فریب فکری و قدرت پرهیز از آن آشنا

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ نقش
طنزهای تحلیلی در کسب مهارت‌های منطقی

می‌کند پرواضح است که طنزخوانی و طنزپردازی به خودی خود نمی‌تواند چنین اثری داشته باشد بلکه می‌تواند اثرات سوئی نیز در شخصیت علمی انسان به جای بگذارد و توصیه‌ی برخی بزرگان حکمت این بوده که هرگز با سخنان شاعرانه که صرفاً تخیل انسان را تحریک می‌کند مأنوس نباشید.

بدون شک اگر مواجهه متفکر با سخنان شاعرانه و مغالطه‌دار، مواجهه‌ای نقادانه و همراه با توجه به امور مورد پرهیز در بخش جدی زندگی باشد، این مواجهه به منزله‌ی ورزیدگی ورزشکاری است که دائم در حال مبارزه‌کردن با رقیب‌های قَدَر و گوناگون و مسلح به فنون مختلف است. به همین جهت است که مواجهه‌ی یک تحلیل‌گر با طنزها باید برای کسب مهارت کشف وجوه مغالطه و برای به دست آوردن رویه‌ی مغالطه‌یابی باشد و این امر موجب تحصیل مهارت‌های نقد اندیشه می‌شود.

سطح‌های تأثیرگذاری:

تحلیل منطقی طنز در دو سطح می‌تواند تأثیرگذار باشد؛

یکی در اصل بالا بردن قدرت تفکر؛

دیگری بالا بردن قدرت تشخیص مغالطات.

چند مثال برای تأثیرگذاری در اصل تفکر:

تحلیل بخش وسیعی از طنزها اصل قدرت تفکر را بالا می‌برد به این چند مثال دقت کنید؛

مثال اول؛

یه شهری توی ایران هست که دانش‌آموزان آن شهر فقط تو بهار می‌رن
مدرسه! چطوری؟!

مخاطب: نمی‌دونم! سؤال کننده: اسم اون شهر بهاره!

مخاطب با شنیدن این پاسخ ذهنش نسبت به طیف وسیعی از پاسخ‌ها باز
می‌شود از این‌رو اگر از او پرسیده شود که؛

در یکی از کشورها مسلمانانش با آب پرتغال وضو می‌گیرند! در این‌جا
دیگر مخاطب می‌داند که نام کشورش پرتغال است.

حال اگر به معمای دیگری به این شکل برسد که؛ در یکی از شهرهای
ایران، مردم با آبِ انار وضو می‌گیرند! چطوری؟ در این‌جا هم پاسخ روشن
است؛ نام شهرش انار است.

در یکی از شهرها مردمش فقط دوشنبه می‌رن سر کار! نام شهرش دوشنبه
است.

به همین صورت پاسخ صدها و هزاران مسأله‌ی دیگر آشکار می‌شود و
مخاطب متوجه می‌شود که یک پاسخ، تنها پاسخ یک مسأله نیست بلکه
می‌تواند پاسخ هزاران پرسش باشد مهم آن است که مناط و معیار واحدی
داشته باشد. جهش‌های تاریخی بشر نیز به همین صورت اتفاق می‌افتد گاه

حل یک مسأله چنان جهشی در زندگی انسان‌ها به وجود می‌آورد که به
هیچ‌وجه قابل پیش‌بینی نبود.

مثال دوم؛

اگر یه فیل بره بالای درخت چی میشه؟ پاسخ مخاطب؛ درخت می‌شکنه!
سؤال کننده می‌گوید: نه! یه فیل از فیل‌های روی زمین کم میشه!

این طنز معماگونه به مخاطب یاد می‌دهد که می‌توان برای پاسخ به یک پرسش
از زاویه‌ی جدیدی نیز به مسأله نگاه کرد و به پاسخی متفاوت دست یافت و
لازم نیست همیشه راه‌های تکراری و معمولی را طی کرد.

حال سؤال کننده همین طنز را ادامه داده و می‌گوید: اگر دو تا فیل بره بالای
درخت چی میشه؟

در این‌جا چون مخاطب با مسیر جدید تفکر آشنا شده، پاسخ می‌دهد که؛ دو تا
فیل از فیل‌های روی زمین کم میشه! (مانند همان مثال بهار، پرتغال، انار
ودوشنبه) سؤال کننده می‌گوید: نه! فیل‌های روی درخت می‌شوند دو تا!

در این‌جا قدرت تحلیل مخاطب باز هم افزایش می‌یابد و متوجه می‌شود که باز
هم می‌توان زاویه‌های جدیدی را ببیند.

سؤال کننده باز هم سؤال خود را ادامه می‌دهد و می‌گوید: حالا اگر سه تا فیل
بره بالای درخت چی میشه؟ پاسخ‌دهنده متوجه می‌شود که می‌تواند دو پاسخ

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ نقش
طنزهای تحلیلی در کسب مهارت‌های منطقی

بدهد از این رو می‌گوید: سه تا از فیل‌های روی زمین کم می‌شن و فیل‌های
روی درخت می‌شن سه تا!

سؤال کنند می‌گوید: نه! درخت می‌شکنه!

در این صورت باز هم قدرت تفکر مخاطب بالاتر می‌رود و متوجه می‌شود که
لازم نیست همیشه به زاویه‌های جدیدی فکر کرد مهم آن است که زاویه‌های
مختلف مسأله را ببینی و سپس به دنبال پاسخ مناسب باشی.^{۱۰}

مثال سوم؛

به نظرت چرا مرغ ماهیخوار وقتی توی آب می‌ایسته یه پاش رو بلند می‌کنه؟

پاسخ مخاطب؛ تا پاهایش را جابجا کند و خسته نشود!

سؤال کننده: نه! برای این که اگر دو تا پاش رو بلند کنه می‌افته!

^{۱۰} - جریان پنکه برای آن کارخونه؛ می‌گویند در کارخونه‌ای وقتی بسته‌بندی می‌کردند
بعضی از کارتون‌ها خالی می‌ماند رئیس آن کارخونه به فکر افتاد و گفت باید دستگاهی
بخیریم که چند میلیارد پولش می‌شود تا کارتون‌های خالی را شناسائی کند یک روز که برای
بازدید به کارخونه رفته بود دید یکی از کارگران پنکه‌ای را گذاشته بود که کارتن‌های خالی
را با باد به بیرون پرتاب می‌کرد وقتی این کار را دید برایش خیلی جالب بود و فهمید که
می‌توان کارها را با هزینه‌های کمتری هم انجام داد.

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ نقش
طنزهای تحلیلی در کسب مهارت‌های منطقی

در این مثال اگر چه مخاطب متوجه می‌شود که مسأله را از زاویه‌ی دیگری هم می‌توان دید اما به نکته‌ی دیگری هم پی می‌برد و آن این‌که پاسخ گفتن از هر زاویه‌ای نمی‌تواند مشکل سؤال‌کننده را حل کند زیرا سؤال این نبوده که چرا مرغ ماهی‌خوار به جای این‌که هر دو پایش را بلند کند فقط یک پایش را بلند می‌کند تا پاسخ آن، جمله‌ی مذکور باشد بلکه سؤال این بود که چرا اصلاً پایش را بلند می‌کند و چرا هر دو پایش را توی آب نمی‌گذارد.

از این نمونه معماهای طنزگونه می‌توان موارد دیگری را نیز یافت از قبیل؛

(۱) چرا مؤذن وقتی اذان می‌گه دستش رو روی گوشش می‌گذاره؟! پاسخ مخاطب؛ نمی‌دونم! سؤال‌کننده: چون اگه روی دهنش بگذاره نمی‌تونه اذان بگه!

(۲) چرا نجار مداد رو پشت گوشش می‌گذاره؟! پاسخ مخاطب؛ نمی‌دونم! سؤال‌کننده: چون اگه پشت دماغش بگذاره مداد می‌افته!

در تمام این موارد اگر چه مسأله از زاویه‌ی دیگری دیده شده اما از همان زاویه‌ای که مورد پرسش قرار گرفته، پاسخ داده نشده است.

مثال چهارم؛

پنج تا فیل چطوری میتونن سوار یه ژیان بشن؟ پاسخ مخاطب؛ نمی‌شه! سؤال‌کننده: میشه! دو تا جلو می‌شینن سه تا هم عقب!

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ تربیت
تفکر عقلی فلسفی به کودکان

در این معمای طنزگونه مخاطب متوجه می‌شود که واقعیات خارجی حدودی دارند که فقط در خیال می‌توان آن‌ها را شکست از این‌رو وقتی به راه‌حلی رسیدیم باید مشخص شود که آیا این راه‌حل یک راه‌حل واقعی است یا خیالی.

کوتاه سخن این‌که؛ تحلیل منطقی طنز می‌تواند به تحلیل‌گر مهارت‌های منطقی و قدرت نقد اندیشه بدهد به شرطی برخورد طنزپرداز و شنونده‌ی طنز صرفاً منفعانه نباشد بلکه کاملاً فعال و از روی تحلیل و تطبیق قواعد منطقی باشد.

تربیت تفکر عقلی فلسفی به کودکان

از جمله ابعاد شخصیت یک انسان، بُعد عقلی فلسفی اوست یعنی درک اندیشه‌های زیربنایی به کمک استدلال‌های عقلی.

تربیت تفکر عقلی فلسفی افراد باعث عدم انفعال در مقابل احساسات، تخیلات و مغالطات می‌شود از این‌رو تربیت تفکر عقلی فلسفی کودکان و سایر افراد جامعه، یکی از اهداف نظام‌های آموزشی تلقی می‌شود.

پرسش‌های اصلی:

دو پرسش اصلی درباره‌ی موضوع تربیت تفکر عقلی فلسفی کودکان قابل طرح است؛

یکی این‌که آیا تربیت تفکر عقلی فلسفی کودکان و نیز عموم افراد، ممکن است؟

دیگری این‌که با چه شیوه‌هایی می‌توان چنین کاری انجام داد؟

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ تربیت
تفکر عقلی فلسفی به کودکان

پاسخی که می‌توان به پرسش اول داد این است که؛ تربیت تفکر عقلی فلسفی به کودکان اگر چه در قالب اصطلاحات علمی مشکل و در برخی موارد غیرممکن است اما در قالب مثال و تشبیه معقول به محسوس امکان‌پذیر است و پاسخ پرسش دوم این است که؛ شیوه‌ی داستان‌گویی، یکی از گسترده‌ترین و شیرین‌ترین شیوه‌های تربیت عقلانی کودک است و داستان‌های طنزگونه، هم جنبه‌ی داستانی دارند و هم شیرینی لازم را، از این‌رو می‌تواند قالب مناسبی برای تربیت عقلی فلسفی کودک باشد.

نقش طنزهای معماگونه:

طنزهای معماگونه ابتدا ذهن کودک را به تفکر کردن وا می‌دارد سپس به کودک توانمندی تفکر می‌دهد و در انتها شیوه‌ها و معیارهای تفکر صحیح را از طریق موارد نقض آن، به کودک یاد می‌دهد.

نقش لطیفه‌ها در تربیت عقلی فلسفی کودک:

لطیفه‌ها ابتدا به طور ناخودآگاه کودک را به تعجب وا می‌دارد سپس با هدایت‌های معلم می‌توان ذهن کودک را به وجوه تعجب و ناهماهنگی‌ها و معیارها و تخلفاتی که از آن معیارها اتفاق افتاده هدایت کرد.

امروزه کتاب‌های تخیلی فراوانی که دارای وجوه طنز و فکاهی هستند برای کودکان نوشته می‌شود که به طور غیرمستقیم مبانی هستی‌شناختی و قواعد تفکر را به آن‌ها آموزش می‌دهند روشن است عقب‌ماندن از این فرصت‌ها می‌تواند فرزندان ما را به شدت آسیب‌پذیر و منفعل کند از این‌رو باید برای این امر برنامه‌ای مناسب اندیشید.

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ جمع‌بندی
و نتیجه‌گیری:

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

خنده یکی از حالات ادراکی انسان است که از ناهماهنگی با یک معیار به وجود می‌آید و زمینه‌ای که چنین حالتی را محقق می‌کند را شوخ‌طبعی، طنز یا فکاهی گوئیم.

مواجهی ما با طنز می‌تواند صرفاً برای سرگرمی و یا کاملاً انفعالی باشد در این صورت تأثیراتی که به طور ناخودآگاه در شخصیت ما می‌گذارد ممکن است بسیار ناگوار باشد از این‌رو مواجه‌ای همراه با انفعال و سرگرمی مواجه‌ای عاقلانه نیست بلکه باید مواجه‌ای کاملاً تحلیلی داشت.

تحلیلی که بتواند وجه ناهماهنگی یک طنز را بیان کند تحلیل منطقی است زیرا منطق علم میزان است و به ما قواعدی می‌دهد که مراعات کردن آن، ذهن را از خطای در فکر مصون می‌دارد و تخلف از آن قواعد، موجب خطای در تفکر و استنتاج می‌شود و طنزها نوعی ناهماهنگی و تخلف از معیارهای عمومی و متعارف است. از این‌رو با سنجه‌های منطقی می‌توان وجه ناهماهنگی آن را یافت.

به کارگیری سنجه‌های منطقی در تحلیل فکاهی و طنز ثمرات فراوانی دارد؛ این امر می‌تواند قدرت طنزپرداز را در تولید طنزهای جدید بالا ببرد و البته لازم است مواجه‌ای او کاملاً نقادانه و خطایاب باشد تا خود تبدیل به یک مغالطه‌گر نشود.

سنجه‌های منطقی فکاهی و طنز-چکیده/ ثمرات به‌کارگیری سنجه‌های منطقی طنز/ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

از سوی دیگر می‌توان طنز را بستری مناسب برای کسب مهارت‌های منطقی و بالا بردن قدرت نقد دانست و با تحلیل نقادانه‌ی طنزها وجه خطای آن را یافت و به مخاطب، توانمندی غفلت‌زدائی از مشابهات آن را داد.

طنزها در صورتی که همراه با تحلیل‌های ساده و ناخودآگاه باشند می‌توانند بستری مناسب برای تربیت عقلی فلسفی کودکان و عموم مردم باشد.

با توجه به ثمراتی که گفته شد مناسب است پژوهش‌گران، هنر طنز را از این زاویه مورد بحث و پژوهش قرار دهند تا بتوانند از ثمرات و کارکردهای آن بهره ببرند.

و الحمدلله رب العالمین - احمدفربهی ۹۷/۱/۲۵

مصادف با یکی از شادترین روز مسلمانان؛

مبعث پیامبر اسلام